

## برندگان و بازندگان ژنو – ۲

قرار است اجلاس ژنو دو برای رسیدگی به بحران سوریه و احتمال یافتن راه حل عملی برای برپایی یک دولت انتقالی با حضور کشورهای گوناگون جهان برگزار شود. گزارش‌های مربوط به این اجلاس و طرف‌های شرکت‌کننده در آن و نیز طرف‌های حذف شده و همچنین موضع ناظران منطقه‌ای و بین‌المللی فراوان است. اما اشاره به چند گزارش خبری که تاثیر مستقیمی روی روند این اجلاس دارد ضروری است. ائتلاف مخالفان دولت سوریه قبلاً تصمیم گرفته بود که این اجلاس را تحریم کند، علت این موضع ائتلاف این بود که هیچ‌یک از طرف‌های موثر در صحنه بین‌المللی به‌ویژه ایالات متحده آمریکا و اتحاد اروپا و حتی اتحادیه عرب به مخالفان دولت سوریه تضمین نداده بود که بشار اسد هیچ‌گونه جایگاهی در آینده سوریه نخواهد داشت. اما رییس ائتلاف مخالفان چندی پیش خاطرنشان کرد که از طرف‌های بین‌المللی و منطقه‌ای موثر در بحران سوریه تضمین‌های شفاهی و گاه کتبی دریافت کرده است مبنی بر اینکه رییس‌جمهور سوریه در هر گونه راه حل سیاسی برای آینده این کشور نقش‌آفرینی نخواهد کرد. بنابراین، ائتلاف مخالفان در ژنو دو شرکت می‌کند. کشورهای غربی و نیز کشورهای عرب خلیج فارس و به‌طور

\* رییس مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه

مشخص عربستان سعودی با دعوت از ایران برای شرکت در نشست ژنو دو سرسختانه مخالفت می‌کند، اما مطابق گزارش‌های غیررسمی، سرگئی لاوروف وزیر خارجه روسیه در سفر اخیرش به تهران و مذاکره با محمدجواد ظریف وزیر خارجه کشورمان گفته است مسکو همه تلاش‌های خود را برای جلب موافقت همه طرف‌ها به منظور دعوت از ایران به این اجلاس به کار خواهد بست.

از سوی دیگر، زعبی وزیر فرهنگ و امور رسانه‌های سوریه طی گفت‌وگویی با شبکه تلویزیونی المیادین در واکنش به اظهارات برخی طرف‌ها در مورد سرنوشت بشار اسد پس از اجلاس ژنو دو تاکید کرد رییس‌جمهور کنونی سوریه دوره گذار را مدیریت خواهد کرد و مخالفان این موضوع چه بخواهند و چه نخواهند، بشار اسد نقش مهمی در دوره انتقالی سوریه ایفا خواهد کرد.

در همین حال در آستانه برگزاری نشست بین‌المللی ژنو دو، ایالات متحده آمریکا و در گام بعدی دولت انگلیس کلیه کمک‌های غیرتسلیحاتی خود را به مخالفان دولت سوریه به حالت تعلیق درآوردند. علت این امر از سوی واشنگتن و لندن چنین عنوان شده است که کاروان کمک‌های بشردوستانه آمریکا و انگلیس در شمال سوریه به تصرف نیروهای بنیادگرا درآمده و ارتش آزاد سوریه که طرف اصلی دریافت‌کننده این کمک‌ها محسوب می‌شود، از بازپس‌گیری این کمک‌ها ناکام مانده است.

مطابق برآوردهای سازمان‌های اطلاعاتی غرب هم‌اکنون گروه‌های تندرو اسلامی تبعه ۷۲ کشور جهان در خاک سوریه علیه ارتش ملی این کشور و در این اواخر علیه واحدهای ارتش آزاد سوریه می‌جنگند و تلاش روسیه، ایران و دیگر کشورها برای قانع کردن برخی کشورهای اسلامی (عرب و غیرعرب) مبنی بر ضرورت جلوگیری از گسیل و یا چشم‌پوشی از انتقال نیروهای داوطلب جنگ در سوریه ناکام مانده‌اند. در همین حال وضعیت اسفبار آوارگان سوریه در مرزهای ترکیه، اردن، لبنان و عراق به‌ویژه با ورود یک توده توفان برفی در مرزهای لبنان و اردن به مرز خطرناکی رسیده و ده‌ها تن از آوارگان سوریه که برای حفظ جان خود به کشورهای دیگر آواره شدند، اکنون گرفتار بی‌رحمی طبیعت شده و در اثر سرما و یخبندان جان خود را از دست داده و می‌دهند. بان‌کی مون، دبیرکل سازمان ملل متحد، اعلام کرد: فاجعه انسانی آوارگان سوریه

بزرگ‌ترین فاجعه در مقیاس جهانی به شمار می‌رود.

از سوی دیگر و به لحاظ سیاسی، با گسترش دامنه نفوذ بنیادگرایان تندرو به‌ویژه شاخه‌های وابسته به القاعده در خاک سوریه، موضع بسیاری از کشورهای جهان و حتی گروه‌های سیاسی ذی‌نفوذ منطقه‌ای نظیر جنبش حماس در فلسطین در معرض دگرگونی قرار گرفته و آرایش و صف‌آرایی کشورها و جریان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی روزبه‌روز در حال تغییر است.

این نوشته می‌کوشد علت طولانی شدن بحران خونین سوریه و افق‌های مربوط به راه‌حل‌های احتمالی برای پایان دادن به یکی از تراژدی‌های جهان کنونی در قالب اجلاس ژنو دو را مورد ارزیابی قرار داده و بازندگان و برندگان قطعی و احتمالی بحران سوریه را دسته‌بندی کند. با این توضیح که دگرگونی‌های حاصله در مواضع کشورها نسبت به سوریه به قدری شتاب گرفته که امکان رصد یک‌یک آنها و ارزیابی دلایل و پیامدهای آن در مرحله ماقبل و مابعد اجلاس ژنو دو دشوار شده است:

یکم. منظمه غربی به رهبری ایالات متحده آمریکا یکی از طرف‌های مهم و محوری بحران سوریه به شمار می‌رود. اگرچه در این منظومه نیز طیفی از مواضع رادیکال تا رویکرد محتاطانه دیده می‌شود، اما در مجموع می‌توان منظومه غربی را به‌ویژه در این بحران یک واحد به‌هم پیوسته شناسایی کرد. با اوج‌گیری تظاهرات ضددولتی در سوریه منظومه غربی شعار ضرورت کناره‌گیری بشار اسد را در سرلوحه برنامه‌های خود قرار داد. منظومه غربی با این تحلیل که بحران سوریه شباهت فراوانی به مدل لیبی دارد، اقدام به تشکیل یک ائتلاف بین‌المللی با عضویت کشورها و نهادهای منطقه‌ای نظیر اتحادیه عرب به منظور رهبری جریان سرنگونی رژیم بشار اسد به سبک لیبی و یا به سبک‌ها و مدل‌های دیگر و جایگزینی یک رژیم طرفدار غرب و متمایل به اسرائیل به منظور اعلام ختم نیروهای بازدارنده عرب در مرزهای پیرامونی اسرائیل کرد. با گسترش دامنه بحران در سوریه و اعلام حالت فوق‌العاده در صفوف سازمان القاعده و شاخه‌های عراق، افغانستان، چین و برخی دیگر از کشورهای جنوب شرق آسیا مبنی بر ضرورت جهاد در خاک سوریه، وضعیت و بحران این کشور به کلی تغییر شکل و بلکه تغییر ماهیت داد. یک فرضیه بدبینانه می‌گوید: کشورهای غربی و در رأس آنها ایالات متحده آمریکا از طریق

شاخه‌های اطلاعاتی بسیار نیرومندش در خاک ترکیه و اردن فرصت را برای گشودن قلمرو شعله‌وری به نام سوریه به منظور جلب همه بنیادگرایان تندرو به این سرزمین و شکل‌گیری یک تجمع ده‌ها ملیتی در این سرزمین مغتنم شمرد. شناسایی گرایش‌های گوناگون وابسته به القاعده و حجم و نیروی آنها و از همه مهم‌تر چگونگی سبک‌ها و مدل‌های جنگی و قدرت ویرانگری آنها برای دواير اطلاعاتی غرب بسیار ضروری و حیاتی شناخته می‌شد و این امر فقط از طریق تشویق و ترغیب این نیروها به وسیله روحانیون تندرو در کشورهای اسلامی و صدور فتوای‌های جهاد علیه آنچه کفار و جریان‌های نزدیک به شیعه به منظور حضور در یک سرزمین درگیر جنگ داخلی ممکن می‌شد. این فرضیه بدبینانه بر این مبنا استوار است که ایالات متحده آمریکا طی ده سال گذشته با توسل به عملیات هوایی (هواپیماهای بدون خلبان) تلاش کرده یکایک عناصر مرتبط به القاعده را شکار کند، اما تعداد این نیروها از پاکستان گرفته تا صحرای سینا در مصر روزبه‌روز در حال افزایش است، پس چه بهتر که این نیروها به نام دفاع از آنچه آنها حریم دینی می‌پندارند، در یک مکان تجمع کرده و به وسیله مخالفان خود در جبهه دیگر که آنها کماویش تحت همین عناوین می‌جنگند، شکار شوند و طی یک پروسه زمانی طولانی همراه با عملیات فرسایشی قوای خود را از دست بدهند. در مقابل هرچه از نیروهای سوریه و حامیان و هم‌پیمانان آنها در منطقه در اثر جنگ با تندروها به قتل برسند، برای منظمه غرب و رژیم‌های متحد و هم‌پیمانان در منطقه و جهان معادله‌ای به نام برد-برد شکل می‌گیرد و برای حریفان معادله باخت-باخت. بدین ترتیب هم سایه وحشت‌آفرین تندروهای اسلامی از سر رژیم‌های طرفدار غرب در منطقه و حوزه منافع غرب در منطقه و جهان کم می‌شود، و هم خط مقدم جبهه مقاومت علیه اسرائیل در منطقه بی‌عده و عدد می‌شود و در پایان هم رژیم سوریه و موقعیت ژئواستراتژیک آن در خاورمیانه یا سرنگون می‌شود و یا چنان فرسوده و خسته و نحیف می‌شود که تا ده‌ها سال آینده نای مقاومت علیه رژیم اشغال‌گر فلسطین نداشته باشد.

چنان‌که در فوق اشاره شد، این فرضیه، بدبینانه است، اما اندکی ژرف‌نگری و ژرف‌کاوی در بحران سوریه و بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی آن به‌ویژه با فراهم شدن فرصت استمرار این بحران در همه سطوح، می‌توان انبوهی از دلایل عینی را برای فرضیه یاد شده دسته‌بندی کرد.

فقط کافی است به این فرمول حاکم بر بحران سوریه توجه کافی شود که کشورهای غربی از هرگونه اقدام و طرح و برنامه‌ای که به «تضعیف دوگانه» یعنی تضعیف نیروهای مسلح سوریه و تضعیف و قلع و قمع تندروهای اسلامی در یک نبرد فرسایشی بی‌برنده و بی‌بازنده منتهی می‌شود، جانبداری می‌کنند. فرمول «عملیات دوگانه‌سوز» شاید بهترین تعبیر در توصیف تحولات غم‌انگیز سوریه باشد. نکته جالب اینکه تقریباً همه کشورهایایی که از وجود نیروهای تندرو در کشورهايشان و یا از عملیات این نیروها در حوزه منافعشان رنج می‌برند، در صف موافقان جنگ علیه دولت سوریه قرار دارند. این پرسش جدلی نیز باید پاسخ داده شود که موافقت کشورهای غربی از قدرت گرفتن جریان‌های بنیادگرا در سوریه تا زیر سقف نابودی متقابل متوقف می‌شود و قدرت گرفتن آنها فراتر از اصل نابودی متقابل، عبور از خط قرمزهای تاغرب محسوب می‌شود. در واقع کشورهای غربی هرگز تمایل ندارند که رژیم بشار اسد را با رژیم شبه‌طالبان معاوضه کند. به عبارتی آمیخته به طنز از دیدگاه غرب عناصر جهادی خوب عناصری هستند که به صورت داوطلبانه هم از نیروهای سوریه بکشند و هم خود کشته شوند!

دوم. در مقابل موضع منظمه غرب نسبت به بحران سوریه، رویکرد و موضع کشورهای قرار دارد که هم به لحاظ ایدئولوژیک و هم از منظر رقابت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی راهبردهایی متفاوت با یکدیگر دارند، اما بر سر مخالفت با گسترش دامنه نفوذ سیاست‌های خاورمیانه‌ای غرب به‌ویژه ایالات متحده آمریکا، اشتراک نظر دارند. روسیه، چین، ایران و تا حدودی هند، در رأس این کشورها قرار دارند. مسکو بر این باور است که سوریه آخرین پایگاه خاورمیانه‌ای مسکو بوده که به هیچ بهایی نباید در دامن منظمه غرب سقوط کند. چین تک‌روی ایالات متحده را در مدیریت امور جهانی مجاز نمی‌داند. هند سیاست دوگانه غرب را در خاورمیانه سیاستی تبعیض‌آمیز همراه با پیامدهایی مخاطره‌آمیز برای امنیت و صلح جهانی تلقی می‌کند. اما جمهوری اسلامی ایران علاوه بر دلایل کشورهای مزبور، باورهای دیگری نیز دارد که به مناقشه اعراب و اسرائیل و موازنه قوای منطقه‌ای و موضوع مقاومت در برابر توسعه‌طلبی‌های رژیم صهیونیستی باز می‌گردد.

ایران از روز نخست شروع بحران داخلی سوریه رویکردی دوضلعی در پیش گرفت. ضلع

نخست سیاست ایران این بود که رهبران سوریه باید دست به اصلاحات ساختاری به منظور غلبه بر عوامل و ریشه‌های داخلی بحران بزنند؛ ضلع دوم سیاست ایران، روی اصل ناپاکیزگی اپوزیسیون برانداز سوریه و ارتباط آن به شبکه‌های اطلاعاتی غرب و عوامل منطقه‌ای‌اش استوار بود. ایران از سلوک قوای نظامی سوریه در تعامل با قیام و خیزش مردمی این کشور که با قیام‌ها و انقلاب‌های دیگر کشورهای عرب منطقه هم‌زمان شده بود، رضایت چندانی نداشت و بارها به رهبران سوریه توصیه می‌کرد از نگاه صرفاً امنیتی به بحران اجتماعی این کشور پرهیز کرده و به سیاست جذب مخالفان وطن‌دوست نزدیک شود، اما سرعت تحولات و دخالت نیروهای بیگانه در امور داخلی سوریه، فرصت هرگونه تحول و تغییر و جابه‌جایی تدریجی قدرت را از رهبران این کشور سلب کرد. کشورهای غربی و کشورهای طرفدار غرب در منطقه موضوع سقوط دولت سوریه را امری قطعی (امروز و فردا) می‌دانستند. اما زمان به زیان همه طرف‌ها پیش می‌رفت. طرف‌های مخالف دولت سوریه به تدریج و با مطالعه ترکیب و باورهای مخالفان مسلح دولت دمشق به این نتیجه رسیدند که وضعیت پس از بشار اسد در سوریه به مراتب خطرناک‌تر از اوضاع کنونی خواهد بود. طرف‌های موافق دولت سوریه نیز ادامه بحران را از منظر انسانی یک فاجعه دانسته و می‌دانند، به‌همین دلیل همه طرف‌ها پس از سه سال جنگ و خون‌ریزی به‌ضرورت حل‌وفصل بحران از طرق سیاسی رسیدند. البته چنان‌که در بند یکم این نوشتار اشاره شد، برخی از کشورهای غربی تا زمانی که سرزمین سوریه را عرصه‌ای برای نابودی دو نیروی غیرقابل اعتماد می‌دانند، در عمل و با روش‌های پیچیده از ادامه جنگ داخلی سوریه تا مرحله به صفر رسیدن قوای دو طرف متخاصم جانبداری خواهند کرد، اما در ظاهر به صف کشورهای طرفدار راه‌حل سیاسی در نشست ژنو دو خواهند پیوست. شدت گرفتن جنگ در ماه‌های اخیر نشان می‌دهد بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی بحران سوریه می‌دانند که طرف‌های درگیر جنگ سوریه پیش از شروع اجلاس ژنو دو باید وضعیت نظامی خود را بهبود بخشند تا قدرت چانه‌زنی آنها در نشست ژنو دو افزایش یابد. موافقان دولت بشار اسد و به‌طور مشخص روسیه و ایران از قبل می‌دانند که در مذاکرات ژنو دو دست بالا را خواهند داشت. مخالفت کشورهای غربی در مورد دعوت از ایران برای شرکت در نشست ژنو دو با این انگیزه صورت می‌گیرد که قدرت منطقه‌ای ایران تا مرزهای

سوریه امتداد نیابد و یا حداقل امتداد آن به رسمیت شناخته نشود.

سوم، بی‌تردید گزینه راه‌حل نظامی با هدف سرنگونی دولت سوریه با شکست قطعی مواجه شده و برگزاری اجلاس ژنو دو به خودی خود نشان می‌دهد که گزینه یاد شده در همین اجلاس دفن خواهد شد. بنابراین دستور کار اجلاس ژنو دو حول راه‌حل سیاسی بحران سوریه و اینکه دولت بشار اسد تا چه اندازه در پروسه اجرایی راه‌حل سیاسی نقش‌آفرینی خواهد کرد متمرکز خواهد بود. برخی ناظران سیاسی معتقدند که مدل یمن در مورد سوریه تکرار خواهد شد، اما برخی دیگر بر این باورند که اپوزیسیون یمن برای سرنگونی دولت علی عبدالله صالح دست به اسلحه نبرد. در نتیجه فرصت و امکان جابه‌جایی نسبتاً آرام قدرت در یمن فراهم بود، در حالی که در بحران سوریه موضوع به کلی متفاوت است. در مقابل، اپوزیسیون سوریه طیف وسیعی از نیروها را در خود جای داده است. از اپوزیسیون مقیم و شناخته شده گرفته تا نیروهای وابسته به القاعده و نیروهای تندرو ده‌ها ملیتی و غیرقابل کنترل. از سوی دیگر، کشورهای غربی برخلاف مدل عراق و لیبی و به منظور مدیریت دوران گذار در سوریه تمایل چندانی به انحلال ساختارهای نظامی و امنیتی این کشور ندارند. مفهوم ضمنی این رویکرد این است که یک نهاد قدرتمند مرکزی باید دوره انتقالی سوریه را رهبری کند و از آنجا که فعلاً هیچ نهادی غیر از ساختارهای دولت کنونی وجود خارجی ندارد، فرضیه نقش‌آفرینی دولت اسد در میان مدت بسیار محتمل است. در واقع کشورهای غربی به گزینه دولت قوی در داخل سوریه و ضعیف و غیرمترحم در عرصه سیاست‌های منطقه‌ای می‌اندیشند. در مقابل کشورهای نظیر روسیه و ایران به مدل اصلاحات وسیع در ساختارهای سیاسی سوریه همراه با منزوی کردن نیروهای تندرو و ملزم کردن کشورهای جهان به قطع کلیه کمک‌های مالی و تسلیحاتی به جنگجویان غیربومی سوریه و انتقال اپوزیسیون مسلح بومی این کشور به فاز فعالیت سیاسی از طریق برگزاری انتخابات آزاد می‌اندیشند. این دو رویکرد صدرنشین گزینه‌های محتمل در مذاکرات ژنو دو خواهد بود. رویکردهای رادیکال در ژنو دو حضور خواهند داشت، اما شانس برای احراز موقعیت صدرنشینی ندارند. بدین ترتیب می‌توان نتیجه گرفت که کشورهای غربی به‌ویژه ایالات متحده و فرانسه و برخی کشورهای منطقه نظیر ترکیه و عربستان سعودی به دلیل جابه‌جایی سیاست‌های موسوم

ز

به صفر و صدی خود در قبال بحران سوریه از بازندگان نشست ژنو دو خواهند بود و در مقابل کشورهای ایران و روسیه به دلیل پیروی از سیاست پایدار در مقابل بحران سوریه و انطباق وقایع عینی روند بحران این کشور با ارزیابی‌های اولیه‌شان از برندگان ژنو دو خواهند بود. این نتیجه‌گیری البته به عرصه مفاهیم ظاهری عناصر پیروز و بازنده یک بحران تعلق دارد؛ زیرا هنگامی که بحران سوریه از منظر فجایع انسانی و تراژدی وصف‌ناپذیر آن نگریسته و ارزیابی می‌شود، همه طرف‌ها بازنده‌اند.